

پژوهشنامه حج و زیارت

سال چهارم، شماره اول

بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۰۶ - ۷۹

تحولات قربانی در حج از نگاه فقه و تاریخ (با تأکید بر وضع فعلی قربانی)

علی شمس،^۱ محمدسعید نجاتی^۲

چکیده

در این پژوهش پس از ارائه سیرری برای تحولات قربانی در حج در چهار دوره (دوره اول: قربانی در منا و مصرف بهینه آن؛ دوره دوم: ازدیاد تعداد حجاج و دفن و آتش زدن قربانی؛ دوره سوم: قربانی در قربانگاه در وادی محسر؛ دوره چهارم: قربانگاه نوین با طرح جدید قربانی) به فتاوای فقهای شیعه در هر مرحله با بیان مستند شرعی آن اشاره می‌شود و ضمن بیان ادله لزوم قربانی در منا، به حکم آن در شرایطی چون ائتلاف قربانی در منا یا در خارج منا بودن کشتارگاه جدید و اقوال و استدلال‌های مربوط به آن پرداخته شده و در پایان، قول به کفایت ذبح اختیاری در حرم پذیرفته شده است و بر اساس آن، قربانی در کشتارگاه جدید که در معیصم و خارج منا و داخل حرم قرار دارد، بر اساس ادله شرعی و به حکم اولی معتبر دانسته شده است. روش پژوهش در این تحقیق، تاریخی و فقهی است و ارائه جدید مراحل قربانی و بررسی وضع فعلی آن از نگاه فقه و تاریخ از نوآوری‌های این مقاله به شمار می‌آید.

کلیدواژگان: قربانی، حج تمتع، منا، معیصم، مناسک منا.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اراک (a-shams@araku.ac.ir)

۲. سطح ۴ فقه و اصول و دکترای تاریخ اسلام، پژوهشگر پژوهشکده حج و زیارت (نویسنده مسئول)
(ms.nejati@hzrc.ac.ir)

مقدمه

یکی از مناسک حج، قربانی در مناسک است که بیشتر در روز عید قربان انجام می‌شود. این آیین، سنتی است که از ابراهیم خلیل و ماجرای ذبح اسماعیل در حج ابراهیمی به یادگار مانده است. آیین قربانی با توجه به توسعه حج و گسترش حج‌گزاران، دچار تحولاتی شد؛ از جمله تغییر مکان قربانگاه‌ها و توزیع گوشت قربانی. قربانی در منا را می‌توان به سه دوره پیش از اسلام، دوره ظهور ماشین بخار و وسایل نقلیه جدید و دوره نوین قربانی در منا تقسیم کرد.

در این پژوهش ابتدا گزارش‌های تاریخی مربوط به مکان قربانگاه در هر دوره بیان شده و فتاوی‌ای مربوط به آن بررسی می‌شود و در ادامه ضمن گزارشی مختصر درباره قربانگاه فعلی منا، مسئله قربانی در خارج منا به تفصیل بررسی می‌شود.

پیشینه این پژوهش را می‌توان در دو بعد قربانی در خارج منا یا حکم قربانی در صورت تلف شدن قربانی، در منا در آثار و کتب متعددی یافت. این آثار، علاوه بر کتاب‌ها، جزوات مستقلی است که در این دو موضوع نگاشته شده است. سؤال اصلی این مقاله عبارت است از: «وضع قربانی در حج چه تحولاتی داشته و این تحولات، به ویژه وضع فعلی، در فتاوی‌ای فقها چه تأثیری داشته است؟»

دوره‌های قربانی در حج

با محور قرار دادن مکان قربانگاه در حج می‌توان چهار دوره برای این قربانگاه‌ها در طول تاریخ یافت:

دوره اول: قربانی در منا و مصرف بیبینه آن

طبق روایات، محل ذبح قربانی حضرت ابراهیم در نزدیکی جمره ثانیه بوده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۰۸) که بعدها این محل، مسجدالکبش یا مسجدالنحر نام

گرفت (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۵؛ مالکی مکی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۲۷). گویا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز در همین قسمت که منحر منا نیز نامیده می‌شد، قربانی می‌کردند (مسلم، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۹ و ۴۳؛ ابی داود، بی تا، ج ۲، ص ۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۰۸). در حجة الوداع به دلیل ازدحام جمعیت پیامبر اکرم تأکید فرمودند که همه قسمت‌های منا مذبح است و لازم نیست تمام حجاج قربانی خود را در آن نقطه خاص انجام دهند (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۴). گوشت قربانی نیز به دستور قرآن کریم در آیه ۳۶ سوره حج: ﴿...فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ به سه قسمت تقسیم می‌شد و علاوه بر قربانی‌کننده، فقیران قانع و خواهان نیز از آن بهره می‌بردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۰۰). کمبود گوشت و نیاز به آن به گونه‌ای بود که آن حضرت و ائمه علیهم السلام از خارج کردن گوشت‌های قربانی از منا نهی می‌کردند تا نیازمندان فرصت بیشتری برای استفاده از مازاد گوشت‌های قربانی داشته باشند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام به این مسئله اشاره دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۰۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۵؛ مکارم، ۱۴۱۸، ص ۱۵) و بعید نیست که حکم حکومتی تلقی شود (رك: در گاهی، عندلیبی، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

نظر فقهای شیعه بر شرط بودن قربانی کردن در مناستوار یافته است که شیخ الطائفه (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۱)، ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۹۵)، ابن براج (ابن البراج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۵۷)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۱۸۵)، و در قرون بعدی، کیدری (بیهقی نیشابوری کیدری، ۱۴۱۶، ص ۱۶۲)، محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۳۴)، علی مؤمن قمی سبزواری (قمی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۶) و نیز علامه حلی در تحریر و منتهی (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۲۳؛ همو، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۱۷۲) از آن جمله‌اند.

از فقهای متأخر نیز صاحب حدائق (بهرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۴۶) به این مطلب پرداخته و صاحب جواهر از عبارات برخی از علما، مانند فاضل اصفهانی و علامه در منتهی، استفاده اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۱۲۰). همین‌طور صاحب ریاض (طباطبائی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۴۰۰) و صاحب مدارک، آن را مقطوع عندالاصحاب دانسته است (موسوی، ۱۴۱۱، ج ۸، ص ۱۹). برخی از فقها مانند مقدس

اردبیلی اجماع بر وجوب ذبح در منا را مانع قول به اختیاری بودن ذبح در منا دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۵۸).

بسیاری از فقهای فعلی نیز بر همین حکم فتوا داده‌اند؛ از جمله آیات عظام خوئی، گلپایگانی، خامنه‌ای، سیستانی، شبیری (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۲۹)

دوره دوم: ازدیاد تعداد حجاج و دفن و آتش زدن قربانی

با پیشرفت و توسعه وسایل حمل و نقل و مضاعف شدن تعداد حجاج و نبود امکانات برای بسته‌بندی و ذخیره کردن یا انتقال گوشت‌ها و نیز فتوای علمای وهابی که خارج کردن گوشت را از منا به دلیل حکم پیامبر ﷺ روا نمی‌دانستند، باعث شد تا در قرون اخیر، لاشه قربانی‌های حجاج که بدون استفاده بر زمین منا مانده بود، مایه دردسر و ایجاد آلودگی‌های مختلف شود؛ به‌ویژه که قسمت عمدۀ آن پیرامون و در مسیر جمرات قرار داشت (بهشتی، ۱۳۶۵، ص ۸۵-۸۹؛ مکارم، ۱۴۱۸، ص ۱۵). این مسئله در گزارش‌های فراوان حجاج این دوره منعکس شده است. در این گزارش‌ها از تعفن و بوی بد و بیماری‌های دامنگیر حجاج در ایام منا به دلیل جمع شدن این لاشه‌ها سخن گفته شده است (مقدادی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰). این خطرها دولت‌های وقت را واداشت تا با دفن کردن و آتش زدن لاشه‌ها به مقابله با این مشکلات بپردازند. وضعیت مزبور باعث شد دو نظریه میان فقهای مسلمان درباره قربانی در منا به وجود آید: گروهی قربانی در منا را در آن اوضاع جایز نمی‌دانستند و راه دیگری پیشنهاد می‌دادند؛ اما گروه دیگر قربانی در منا را حتی در همان اوضاع، واجب می‌شمردند.

قول اول: سقوط قربانی در منا در صورت علم به تلف شدن آن

بر اساس این نظر، قربانی در صورت علم به اتلاف آن در منا، ساقط است؛ بلکه به نظر برخی از این قائلین، جایز نیست. این قول در کلمات شهید آیت‌الله محمد حسینی بهشتی (بهشتی، ۱۳۶۵، ص ۹۰)، شیخ محمدجواد مغنیه (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۳۷) آیت‌الله مکارم شیرازی (مکارم، ۱۴۱۸، ص ۵) و آیت‌الله محمد صادقی (صادقی، ۱۳۹۷،

ص ۳۷۹) وجود دارد و بنا به نظر آیت‌الله مکارم حج گزار بنا بر احتیاط واجب، پس از کنار گذاشتن پول قربانی در منا، به بقیه مناسک می‌پردازد و قربانی را پس از بازگشت به وطن یا جایی که ممکن است، قربانی را مطابق شرایط انجام می‌دهد و اولی این است که با شخصی در وطنش هماهنگ کند که در زمانی که حاجی در منا باید قربانی کند، او در وطنش قربانی کند و به حاجی خبر دهد تا وی بقیه اعمال را پس از قربانی، انجام دهد (مکارم، ۱۴۱۸، ص ۵).

بنا به نظر آیت‌الله صادقی در صورت امکان اگر مصرف در ذی‌الحجه یا نگهداری برای بعد از ذی‌الحجه ممکن نباشد، پول قربانی در روز عید میان فقرا حرم توزیع شود و اگر در روز عید ممکن نشد، تا آخر ذی‌الحجه پولش میان فقرا حرم، و پس از آن میان سایر فقرا مسلمان توزیع شود و اگر بخواهد احتیاط کند، خانواده‌اش در روز عید قربان به نیابت از وی قربانی کنند (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۳۸۱ و ۳۸۳).

قول دوم: وجوب قربانی در منا حتی در صورت علم به تلف شدن گوشت آن

این قول فتوای مشهور فقهای معاصر است که با وجود تلف شدن گوشت‌های قربانی در منا، آن را اسراف نمی‌دانند و مسئولیت تبعات ناشی از آن را متوجه مسئولین امر و نه حجاج می‌دانند و برخی نیز در صورت امکان، انتقال گوشت‌ها را به مکان‌هایی که امکان استفاده از آنها وجود دارد، واجب می‌شمارند.

دوره سوم: قربانگاه در وادی محسر

از حدود سال ۱۴۰۰ قمری (افتخاری گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰) کشتارگاه‌های جدیدی در وادی محسر (دره میان منا و مزدلفه) ایجاد شد که قربانی‌های حجاج به اختیار خودشان در آنجا ذبح می‌شد. این قربانگاه تا حدود سال ۱۴۲۶ قمری فعال بود. استفتائات متعددی از مراجع شیعه در مورد قربانی در خارج منا در این دوره انجام شده است که در پاسخ، بسیاری از مراجع، مقدم بودن وادی محسر را در صورت عدم امکان ذبح در منا شرط کرده‌اند (خمینی، ۱۳۹۳، ص ۵۹۳). از آنجا که استفاده از

این قربانگاه برای همه حجاج الزام و ابتلای همگانی نداشت و با وضع دوره بعدی تفاوت چندانی نمی‌کرد، فتاوی‌ای فقها درباره دوره سوم و چهارم غالباً در کنار هم ذکر شده است. عمده فتاوی‌ای این مقطع، صحت ذبح به صورت اختیاری در وادی محسر و نیز صحت ذبح در وادی محسر در صورت عدم امکان ذبح در منا بوده است و برخی از فقهای شیعه در صورت عدم امکان ذبح در منا، بر ضرورت مقدم دانستن قربانی در وادی محسر بر مکان‌های دیگر فتوا داده و با استدلال به موثقه سماعه، این وادی را بدل اضطراری شرعی منا محسوب کرده‌اند. از جمله این فقها آیات عظام تبریزی، شبیری زنجانی، سیستانی، صافی گلپایگانی (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۴۷؛ مرکز تحقیقات حج، بی‌تا، ص ۱۱۰) و سیدکاظم حائری (حائری، ۱۴۲۷، ص ۱۱۸) هستند. بر این اساس در اینجا مستند مقدم دانستن وادی محسر را ذکر می‌کنیم.

موثقه سماعه

سماعه بن مهران می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: «اگر مردم در منا زیاد شوند و جایشان تنگ باشد چه کنند؟» فرمود: «به سمت دره محسر بالا می‌روند». گفتم: «اگر در مشعر زیاد شدند و جایشان تنگ بود چه کنند؟» فرمود: «به سمت تنگه مازمین از کوه بالا می‌روند». گفتم: «اگر در موقف زیاد شدند و جایشان تنگ بود چه کنند؟» فرمود: «از کوه بالا بروند و سمت چپ بایستند؛ زیرا هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرفات توقف کرده بودند، مردم پیرامون ایشان و در کنار پاهای شتر ایشان جمع شده بودند. ایشان فرمود: ای مردم تنها جای پای شتر من موقف نیست؛ بلکه همه این منطقه موقف است و مردم بعد از شنیدن این سخن از پیرامون آن حضرت پراکنده شدند و ایشان در مزدلفه نیز همین کار را انجام داد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸۰).

تقریر استدلال: همانطور که ملاحظه می‌شود، امام صادق علیه السلام در پاسخ به سماعه، حجاج را مکلف دانسته‌اند که از وادی محسر که در انتهای منا به سمت مشعر است، بالا بروند و از آنجا که توقف و بیتوته در منا بدون ادای مناسک منا مطلوب نیست

و اگر گفته شده که سه روز در منا بمانند برای ادای مناسک منا از جمله ذبح است؛ پس این روایت بر جواز ذبح در وادی محسر، در صورت تعذر یا تعسر ذبح در منا دلالت دارد. علاوه بر آن می‌توان گفت ترک استفصال امام دلیل بر اطلاق است؛ چرا که سؤال مطلق است و روایت را شامل تمام مناسک منا می‌کند و اسمی از بیتوته در منا نیامده است (حائری، ۱۴۲۳، ص ۱۷۱؛ فیاض، بی‌تا، ص ۲۱۸؛ مکارم، ۱۴۱۸، ص ۲۳).

اشکال: بعضی از فقها با رد این استدلال روایت را مختص به بیتوته در منا می‌دانند و خود بیتوته را عملی مستقل و قائم به نفس می‌شمارند و حمل ذبح بر بیتوته را نوعی قیاس و استحسان ممنوع می‌دانند (همانجا). به علاوه می‌توان گفت این دو با هم تفاوت دارند؛ چون بیتوته امری زمان‌بر و تدریجی‌الوصول است و می‌تواند از ضیق مکان تأثیر بپذیرد؛ اما ذبح، آنی است و لزوماً وقت چندانی نمی‌گیرد؛ به خصوص در منا که غالباً حجاج از آن خارج نیز می‌شوند. بنابراین ذبح با شلوغی منا منافاتی ندارد (ارسطا، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

در پاسخ به این اشکال گفته شده که توقف در منا در طول این سه روز فی‌نفسه واجب نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای بیتوته واجب در شبانگاه و اعمال دیگر منا مانند رمی و قربانی و حلق است (موسوی، ۱۴۲۳، ص ۱۸۱). سیاق روایت بر این دلالت دارد که هنگام تنگی مکان برای انجام دادن اعمالی که در منا بودن در آنها شرط است، تنگی عذری می‌شود برای توسعه ظرف این اعمال و انجام دادن این واجب در غیر منا؛ چه اضطرار به لحاظ همه این اعمال باشد و چه به لحاظ یکی از آنها (سند، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۶۱) و می‌توان با توجه به این روایت به طور کلی ملاک توسعه مکان اعمال منا، از جمله ذبح را سختی و حرج گرفت که در مورد روایت، ناشی از تنگی جاست. به علاوه طبیعی است که کثرت جمعیت در منا آن‌چنان تأثیرگذار است که در مواردی حتی جای کافی برای استراحت یا دراز کشیدن یک حاجی وجود ندارد، چه برسد به ذبح که برای نگهداری و انتقال دام، ذبح آن و جمع کردن و بیرون بردن آرایش‌های دامی آن (آن هم در حجم چند میلیون) نیازمند مکانی وسیع است.

دوره چهارم: قربانگاه نوین با طرح جدید قربانی

اعتراض‌ها باعث شد تا در دهه‌های اخیر، بانک توسعه اسلامی با مشارکت برخی بعثه‌ها و دولت عربستان، مسئولیت سامان‌دهی به قربانی را با تأسیس کشتارگاه‌های مدرن در کنار وسایل انجماد پیشرفته ابتدا برای قسمت کوچکی از حجاج در حواشی یا بیرون منا مانند وادی محسر ایجاد کند (نجمی، ۱۳۷۳، ص ۹۳). این تأسیسات با حمایت دولت سعودی از سال ۱۴۲۰ قمری، به محل دیگری در فاصله پانصد متری منا به نام مُعِیْم انتقال یافته و به صورت مجهز و با تقسیم بخش‌های آن برای حجاج کشورهای مختلف، به فعالیت مشغول است. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰). امروزه اشکال عمده این است که مکان این مذابح در خارج از منا قرار دارد.

طرح جدید قربانگاه در معیصم

این طرح در سال ۱۴۰۳ قمری (۱۹۸۳م) با هدف استفاده بهینه از قربانی‌ها در حکومت سعودی آغاز شد و اجرای آن به بانک توسعه اسلامی واگذار گردید و هیئتی متشکل از وزارتخانه‌های مختلف پادشاهی سعودی ناظر این طرح شد. ظرفیت این طرح ذبح ۶۳ هزار قربانی بود که پس از ۳۶ سال به ظرفیت ذبح یک میلیون قربانی در ۴۸ ساعت رسیده است.

فهرست مراکز توزیع گوشت قربانی در شهرهای مختلف عربستان در پایگاه اینترنتی «الاضاحی» قرار دارد و برخلاف ادعاهای اولیه در حرم منحصر نیست؛ چرا که علاوه بر مراکزی که در خود شهر مکه گوشت‌های قربانی را میان فقرا توزیع می‌کنند که شامل هجده مرکز و فرد مختلف می‌شود، شامل شهرهای مناطق دیگری چون بیست مرکز در منطقه جده، چهار مرکز در طائف، سه مرکز در مدینه منوره و مراکز دیگری در قصیم و ریاض و مناطق دیگر حجاز نیز می‌شود (برای اطلاعات بیشتر از وضع فعلی قربانی حج ر.ک: نجاتی، قربانگاه معیصم، مجله میقات حج، دوره ۲۷، شماره ۱۰۶، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۱۲۱).

فتاویٰ فقهی درباره قربانی در وضعیت جدید

این مسئله دو بعد دارد: یکی حکم تکلیفی حلیت یا حرمت ذبح قربانی در غیر منا و دیگری، صحت یا بطلان عمل در صورت قربانی در خارج از منا. آنچه از عبارات فقها استفاده می‌شود، توجه به حکم وضعی و عدم کفایت قربانی در خارج مناسبت که آن را با تعبیر «لایجزئه» بیان کرده‌اند.

می‌توان فتوهای موجود در این باب (قربانی در خارج منا) را به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. کفایت قربانی در حرم و لو خارج منا از جمله معیصم در حالات عادی

ادله وجوب ذبح در حرم

الف) آیات

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج، ۲۹)؛ «سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند». این آیه ادای نذر برای خانه خدا را رساندن این چهارپایان نذری به کعبه و صرف آن بر مجاوران و زائران بیت می‌داند (سند، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۶۴)؛

آیات مربوط به مناسک حج که این مناسک را در محدوده حرم مشخص کرده است و از حجاج می‌خواهد که برای انجام دادن آن به سوی کعبه بیایند. از جمله این آیات: قوله تعالى: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَيْمَاتِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ * ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ * ... ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ * لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج، ۲۷ - ۳۳).

ب) روایات

روایات دال بر عدم جواز خروج قربانی از حرم و جواز خروج از منا مفید این مطلب است که قربانی باید در این محدوده باشد (همانجا)؛ مانند روایت‌های ذیل:

موثق اسحاق بن عمار

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْهَدْيِ أَيْ يُخْرَجُ بِشَيْءٍ مِنْهُ عَنِ الْحَرَمِ فَقَالَ بِالْجُلْدِ وَالسَّنَامِ وَالشَّيْءِ يَنْتَفَعُ بِهِ قُلْتُ إِنَّهُ بَلَّغْنَا عَنْ أَبِيكَ أَنَّهُ قَالَ لَا يُخْرَجُ مِنَ الْهَدْيِ الْمَضْمُونِ شَيْئًا قَالَ بَلْ يُخْرَجُ بِالشَّيْءِ يَنْتَفَعُ بِهِ وَزَادَ فِيهِ أَحْمَدُ وَ لَا يُخْرَجُ بِشَيْءٍ مِنَ اللَّحْمِ مِنَ الْحَرَمِ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۸).

از امام کاظم عليه السلام درباره جواز خارج کردن چیزی از قربانی از حرم پرسش کردم. آن حضرت فرمود: «پوست و کوهان و چیزهایی را که قابل انتفاع باشد، می‌شود بیرون برد». گفتم: «از پدرتان به ما رسیده است که چیزی از قربانی از حرم خارج نمی‌شود». فرمود: «چیزهایی که مفید است خارج برده می‌شود، ولی گوشت قربانی از حرم خارج نمی‌شود»؛

صحیح محمد بن مسلم

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ إِخْرَاجِ لُحُومِ الْأَصْحَابِيِّ مِنَ مِنِّي فَقَالَ كُنَّا نَقُولُ لَا يُخْرَجُ مِنْهَا شَيْءٌ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِإِخْرَاجِهِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۰۰).

از امام صادق عليه السلام درباره خارج کردن گوشت قربانی از منا پرسیدم. فرمود: «قبلاً با توجه به نیاز مردم در منا به گوشت آن، از خارج کردن قربانی نهی می‌کردیم. اما امروزه که مردم زیاد شده‌اند، خارج کردن گوشت قربانی از منا اشکال ندارد.

البته جمع آیه شریفه ﴿مَحَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج، ۳۳) و روایات به دو گونه ممکن است:

یک- به نحو مطلق و مقید: روایات اطلاق آیه را نسبت به همه نواحی مکه، به منا محدود می‌کند؛

دو- به نحو تعدد دال و مطلوب: آیه ابتدا قربانی را در محدوده حرم اعلام می‌کند و سپس روایات در محدوده خاص حرم (منا) قربانی مشخص می‌کنند و بر این اساس می‌توان با توجه به آیه و عموم فوقانی آن، در فرض تعذر یا تعسر رنج در منامحل ذبح را مکه یا تمام حرم دانست (حائری، ۱۳۲۴، ص ۱۶۲).

در حقیقت آیه به صورت عام، حرم را که شامل مکه و منا و مناطق دیگری نیز می‌شود، محدوده عام قربانی تعیین می‌کند و روایات، هر یک از قسمت‌های منطقه عام را برای قربانی خاصی تعیین کرده است؛ مثلاً منا را برای حج و مکه را برای عمره تعیین کرده است و در صورتی که نتوان به مخصصات تمسک کرد، عام فوقانی، و جوب در حرم بودن قربانی است. اما اگر در تقیید مطلق، مطلوب فقط قربانی در مناست.

۲. جواز قربانی در خارج از منا در صورت عدم امکان قربانی در آن، با رعایت نزدیک‌تر به منا

ادله این قول که قائلانش قبلاً نام برده شدند، شامل دو مطلب است: مطلب اول و جوب قربانی در منا و مطلب دوم عدم سقوط قربانی بر فرض عدم امکان یا تعسر آن در منا.

مطلب اول: ادله لزوم قربانی در منا

الف) دلیل قرآنی

﴿وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلِفُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ...﴾ (بقره، ۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید و اگر محصور شدید [و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام‌بستن، وارد مکه شوید]، آنچه از قربانی فراهم شود [ذبح کنید و از احرام خارج شوید] و سرهای خود را

نتراشید تا قربانی به محلش برسد [و در قربانگاه ذبح شود] و اگر کسی از شما بیمار بود یا ناراحتی در سر داشت [و ناچار بود سر خود را بتراشد]، باید فدیه و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد و هنگامی که [از بیماری و دشمن] در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است [ذبح کند] و هر که نیافت، سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد. این، ده روز کامل است. [البته] این برای کسی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد (اهل مکه و اطراف آن نباشد)؛ و از خدا بپرهیزید و بدانید که او، سخت کیفر است.

تقریر اول استدلال: ضمیمه کردن این آیه شریفه با روایت موثق و مفسره زرعه

عَنْ زُرْعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُخْصِرَ فِي الْحَجِّ قَالَ فَلْيَبْعَثْ بِهِ إِذَا كَانَ مَعَ أَصْحَابِهِ وَ مَحَلَّهُ أَنْ يَبْلُغَ الْهَدْيِ مَحَلَّهُ وَ مَحَلَّهُ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ إِذَا كَانَ فِي الْحَجِّ وَ إِذَا كَانَ فِي عُمْرَةٍ نَحَرَ بِمَكَّةَ وَ إِنَّمَا عَلَيْهِ أَنْ يَعِدَهُمْ لِذَلِكَ يَوْمًا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَقَدْ وَفَى وَ
 إِنِ اخْتَلَفُوا فِي الْمِعَادِ لَمْ يَضُرَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۸۱)

از امام پرسیدم اگر برای مردی در ادای حج مانعی پیش بیاید، چه وظیفه‌ای دارد؟ فرمود:

اگر همراهانی دارد، باید قربانی‌اش را بفرستد تا در محلش که برای حج، منا در روز عید قربان است و برای عمره در مکه ذبح کند و وظیفه دارد تا در آن روز با آنها برای قربانی وعده بگذارد و وقتی آن روز فرارسید، قربانی را انجام می‌دهد و از احرام خارج می‌شود و اگر در وعده دچار اختلاف شدند، وظیفه‌ای ندارد.

دلالت روایت

این روایت آیه شریفه را به صورت کلی تفسیر کرده و محل هدی در حج را به صراحت، منا دانسته است و خود به تنهایی نیز می‌تواند دلیلی مستقل برای حکم باشد (فیاض، بی تا، ص ۵۰۶). البته این دلیل شامل صورت عدم امکان نیست.

تقریر دوم استدلال به کتاب

در این آیه شریفه از حلق و تراشیدن سر تا رسیدن قربانی به محل و مکان مقررش، نهی شده است و از آنجا که قطعاً مکانی برای قربانی غیر از منا نیست، پس آیه شریفه بر لزوم قربانی در منا دلالت دارد (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۸).

نقد: اگر بدون آیه ما به این مطلب که منا قربانگاه است یقین می داشتیم، دیگر نیازی به استفاده این مطلب از آیه نبود و این نحو استدلال مصادره به مطلوب است؛ ثانیاً چنان که برخی از اعلام نیز فرموده اند، احتمال اینکه شهر مکه یا فناء کعبه یا محدوده حرم هم محل قربانی باشد، وجود دارد (حائری، ۱۴۲۳، ص ۱۵۵). بنابراین استدلال به آیه شریفه با قطع نظر از روایات مفسره، تمام نیست؛ مگر اینکه استدلال به آیه شریفه را این گونه تقریر کنیم: سیاق آیه در مقام بیان حکم حج تمتع است و مکان متعارف هدی از قدیم، منا بوده و بنابراین آیه شریفه به محل معروف و معهود و متعارف قربانی در جاهلیت و پیش از اسلام برای حج اشاره دارد.

ب) استدلال به سیره

سیره قطعی مستمر از زمان پیامبر اکرم تا امروز، بر وجوب قربانی در منا دلالت دارد که به دلیل بداهت آن، موجب قطع فقهای عظام به این حکم شده است (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۷).

نقد: نهایت مدلولی که از طریق این سیره قابل استفاده است، مطلوبیت ذبح در مناست که البته مورد شک و تردید نیست. آنچه محل بحث است؛ وجه این مطلوبیت و اثبات آن به نحو وجوبی است. به عبارت دیگر این سیره بر ذبح در منا ثابت است؛ اما سؤال این است که آیا بر وجوب آن نیز دلالت می کند یا نه؟ اگر گفته شود: «بنای اولی در سیره پیامبر اکرم ﷺ هنگام ادای حج، تعلیم واجبات است و استحباب نیازمند بیان است، والا موجب تأخیر بیان از وقت حاجت است»، در پاسخ گفته می شود که این ادعا برخلاف متفق درباره عمل و فعل معصوم است که به مجرد اثبات آن بر مطلوبیت دلالت نمی کند.

ج) استدلال به روایات

صحيح منصور بن حازم

عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يَضِلُّ هَدْيَهُ فَيَجِدُهُ رَجُلًا آخَرَ فَيَنْحَرُهُ قَالَ إِنْ كَانَ نَحْرُهُ بِمَنِيٍّ فَقَدْ أَجْرًا عَنْ صَاحِبِهِ الَّذِي ضَلَّ عَنْهُ وَإِنْ كَانَ نَحْرُهُ فِي غَيْرِ مَنِيٍّ لَمْ يُجْزَ عَنْ صَاحِبِهِ (طوسي، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۹).

از امام صادق عليه السلام درباره مردی که قربانی اش را گم می کند و دیگری آن را پیدا کرده، نحر می کند، پرسیدم: [که مرد صاحب قربانی چه وظیفه ای دارد؟] فرمود: «اگر مرد دیگر، قربانی را در منا ذبح کرده باشد، از صاحبش کفایت می کند و اگر قربانی را در مکانی غیر منا ذبح کرده باشد، از صاحبش کفایت نمی کند».

تقریر استدلال:

در این روایت امام تنها وقتی ذبح قربانی گمشده را از طرف مالکش مجزی می داند که در منا انجام شده باشد. اگر در منا بودن قربانی برای وضعیت خاص گم شدن قربانی نیز شرط باشد، به طریق اولی برای وضعیت عادی و شخص مختار نیز شرط است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۷). البته در این روایت تنها مسئله ای که درباره قربانی در غیر منا مشخص شده، عدم کفایت و بطلان قربانی است و حکم تکلیفی این کار بیان نشده است و این روایت، درصدد بیان حکم صورت عدم امکان نیست.

روایت معتبره ابراهیم کرخی

عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ قَدِمَ بِهَدْيِهِ مَكَّةَ فِي الْعَشْرِ فَقَالَ إِنْ كَانَ هَدْيًا وَاجِبًا فَلَا يَنْحَرُهُ إِلَّا بِمَنِيٍّ وَإِنْ كَانَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ فَلْيَنْحَرُهُ بِمَكَّةَ إِنْ شَاءَ وَإِنْ كَانَ قَدْ أَشْعَرَهُ وَقَلَّهْ فَلَا يَنْحَرُهُ إِلَّا يَوْمَ الْأَضْحَى (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۸۸).

از امام صادق عليه السلام درباره مردی پرسیدم که قربانی اش را در دهه ذی حجه به مکه

آورده است. فرمود: «اگر قربانی واجب باشد، فقط در منا ذبح کند و اگر قربانی واجب نباشد، اگر بخواهد می‌تواند آن را در مکه نیز قربانی کند. ولی اگر قربانی را اشعار و تقلید کرده (نشان قربانی زده) فقط در روز عید قربانی اش کند».

دلالت روایت:

این روایت نیز با به‌کارگیری استثنا که به معنای اختصاص حکم به مستثمانه است و استثنا از نفی که ایجاب معنا می‌شود، محل هدی واجب حج را به قرینه «العشر» تنها منا معین می‌کند و اطلاقش شامل حج تمتع و قران می‌شود؛ هر چند در مورد قران تصریح دارد. در ضمن ظهور بدوی این روایت نهی از قربانی در غیر منا و حرمت تکلیفی آن است؛ مگر اینکه بگوییم اینجا نهی، ارشاد به حکم وضعی است، نه اینکه یک محرّم مستقل باشد تا ذبح قربانی در خارج منا را حرام بداند.

روایت مصحح عبدالاعلی

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا هَدْيَ إِلَّا مِنَ الْإِبِلِ وَلَا ذَبْحَ إِلَّا بِمَنَى

(طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۴).

امام صادق عليه السلام فرمود: «قربانی باید شتر باشد و ذبح باید فقط در منا انجام شود».

دلالت روایت:

در این روایت، ادات حصر «لا و الا» به‌کار رفته که نشان دهنده انحصار حکم و نفی تحقق ذبح شرعی در غیر مناست. پس این روایت، وجوب ذبح در منا را با ادات استثنا می‌رساند.

اشکالی که بر این استدلال وارد شده، عدم اتحاد سیاق است؛ چراکه یقین داریم که غیر ابل نیز از موارد هدی است و جمله اول نفی جنس نیست؛ بلکه نفی کمال است. لذا جمله دوم هم به قرینه سیاق باید نفی کمال باشد. بنابراین این روایت بر مطلوبیت قوی‌تر ذبح در منا و نه بر وجوب آن دلالت دارد (حائری، ۱۴۲۳، ص ۱۵۸؛ روحانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۳۹). از این اشکال به دلیل وجود موارد مشابه جواب داده

شده است؛ از جمله این موارد: در آخرین آیه سوره مزمل به خواندن قرآن و اقامه نماز و دادن زکات و دادن قرض الحسنه امر شده است، در حالی که از این میان فقط اقامه نماز و دادن زکات واجب، و دو مورد دیگر مستحب است: ﴿فَأَقْرئُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ (ر.ک: ارسطا، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

اما این جواب را می توان با این بیان رد کرد که قاعده کلی، قرینه بودن وحدت سیاق است، مگر اینکه به دلیل وجود قرینه ای، برخلاف آن حکم کنیم و این موارد استثنایی نمی تواند وحدت سیاق را از قرینه بودن بیندازد. پس در نهایت، دلالت این روایت بر وجوب قربانی در منا محل خدشه است (محقق داماد، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۳۷).

برفرض دلالت این روایت بر حکم وضعی، از آنجا که در روایت از صیغه نفی استفاده شده، دلالتی بر حرمت تکلیفی ذبح در غیر منا ندارد. همچنین می توان گفت حصر، اضافی است و روایت شامل صورت عدم امکان نمی شود.

روایت ضعیف السند مسموع

عَنْ مَسْمُوعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنِي كُلُّهُ مَنَحْرٌ وَأَفْضَلُ الْمَنَحْرِ كُلُّهُ الْمَسْجِدُ
(طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۵).

همه منا قربانگاه است و بهترین مکان قربانگاه، مسجد [قربانی] است.

دلالت:

دلالت این روایت بر مذبح بودن منا، با تأکید بر این نکته روشن می شود که این روایت تمام منا را مذبح، و با فضیلت ترین مکان آن را پیرامون مسجدالنحر (که محل ذبح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده) یا مسجد خیف (که اجمالاً نزدیک مذبح است) می داند. البته می توان مناقشه کرد که این روایت تنها در مورد نحر است و مفید انحصار مکان ذبح در منا نیست که با توجه به اتحاد حکم ذبح و نحر در مسئله، این اشکال پذیرفته نیست.

اشکال: اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند؛ بنابراین مذبح بودن کل منا با مذبح بودن

غیر منا منافاتی ندارد (مدنی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۹۲).

برخی از بزرگان تقریر دیگری ارائه داده‌اند که بر اساس آن، این روایت به روشنی مفروض بودن مذبح بودن منا را می‌رساند، مضاف بر اینکه رهنمون می‌شود که کل منا مذبح است (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۹).

اشکال دیگری که مطرح می‌شود این است که روایت در مقام توهّم حطر است و برای دفع این توهّم، بر جواز نحر در تمام نقاط منا تأکید می‌کند. این اشکال با توجه به نقل‌های دیگر روایت موجّه است؛ چرا که بنا به نقل دیگر، پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که در حجة‌الوداع در مذبح نزدیک جمره ثانیه قربانی‌های خود را نحر کردند، فرمان دادند تا مردم در منزلگاه‌های خود در منا قربانی کنند و لازم نیست تا به محل مذبح پیامبر اکرم ﷺ بیایند (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۴).

مطلب دوم: ادله عدم سقوط قربانی در صورت عدم امکان آن در منا

الف) اطلاق ادله اصل وجوب قربانی و عدم تقید آن به منا

اطلاق آیات و روایات صحیحه، وجوب هدی و از نشانه‌ها و شعائر دین بودن آن را می‌رسانند و روایات مقید آن، مانند صحیح منصور بن حزام و روایات مفسر آیات، بر تقیید فی الجملة این وجوب دلالت می‌کنند، نه بر تقیید مطلق آن؛ چراکه روایات و اجماع مدعی بر وجوب قربانی در منا شامل مورد عجز از ذبح نیستند. بنابراین از آنجا که دلیل قید اطلاق ندارد، به اطلاق دلیل اصل واجب تمسک می‌شود که مقتضای آن قربانی در هر مکان است؛ از جمله: آیه

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾ (حج: ۳۶)

و شترهای چاق و فربه را [در مراسم حج] برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است. نام خدا را [هنگام قربانی کردن] در حالی که به صف ایستاده‌اند، بر آنها ببرید و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت [و

جان دادند]، از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را مستخرتان ساختیم تا شکر خدا را بجا آورید.

صحیحہ زرارہ

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الَّذِي يَلِي الْمُرَدَّ لِلْحَجِّ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الْمُتَمَعَةُ فَقُلْتُ وَمَا الْمُتَمَعَةُ فَقَالَ يَهْلُ بِالْحَجِّ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ... فَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ أَهْلًا بِالْحَجِّ وَنَسَكَ الْمَنَاسِكَ وَعَلَيْهِ الْهُدْيُ فَقُلْتُ وَمَا الْهُدْيُ فَقَالَ أَفْضَلُهُ بَدَنَةٌ ... (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶).

از امام باقر عليه السلام درباره حجی که در فضیلت پس از حج افراد است پرسیدم. فرمود: «تمتع». گفتم: «تمتع چیست؟» فرمود: «در ماه حرام برای حج محرم شود و... در یوم الترویبه برای حج تلبیه بگوید و مناسک را انجام دهد و بر او قربانی واجب است». گفتم: «چه قربانی؟» فرمود: «از همه بهتر شتر است».

باید یادآور شد که در فرض بحث، برای تبدیل تکلیف قربانی به صوم دلیلی نداریم؛ زیرا صوم وظیفه کسانی است که به دلیل نیافتن قربانی، امکان قربانی کردن ندارند؛ اما مورد ما کسی است که به قربانی دسترسی دارد و قیمتش را هم دارد، ولی امکان ذبح در منا را ندارد (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۱۱).

ب) تعدد مطلوب شارع در واجب قربانی در منا

دلیل عدم سقوط تکلیف این است که لزوم قربانی در منا از باب تعدد مطلوب است و قربانی به خودی خود مطلوب شارع است؛ چنان که آیه شریفه ﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ (بقره، ۱۹۶)؛ «و هنگامی که [از بیماری و دشمن] در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند؛ آنچه از قربانی برای او میسر است [ذبح کند]» با اطلاق خود کفایت قربانی را در هر مکانی که ذبح قربانی واقع شود، بیان می کند و قدر متیقن از تقیید این اطلاق، انجام دادن قربانی در منا، در حال تمکن است، نه مطلقاً و حتی در حال عدم تمکن. این امر از تناسب میان مثل این حکم و موضوعش نیز قابل استظهار است. همچنین از آیه ۳۶ سوره حج استفاده

می‌شود که بدنه و نحر آن در موسم حج به طور مطلق از شعائر الهی است که البته در صورت تمکن، باید در منا انجام شود و اصلاً بر مقید بودن این حکم به «در منا بودن آن» دلالت نمی‌کند (صافی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۱۲)؛ به عبارت دیگر شارع مقدس در این تکلیف دو مطلوب دارد: اول، قربانی که خود از نشانه‌های دین شمرده شده و منافی بر آن مترتب است؛ دوم، در مکان خاص انجام شدن قربانی. حال اگر امکان انجام مطلوب دوم فراهم نشد، مطلوب اول به حال خود باقی می‌ماند.

علاوه بر این، امکان ندارد که به دلیل فراهم نشدن برخی از شرایط اعمال، مناسک حج یکسره تعطیل شود. گویا حج عمل واحدی است که حقیقت آن وفود و رهسپاری انسان به سوی خدای متعال است و در وقتی که بعضی از شرایط این امر حاصل نشد، اصل عمل همچنان مطلوب است (سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۲۰۹).

ممکن است اینجا اشکالی مطرح شود که آیه شریفه مطلق نیست؛ زیرا صدر آیه شریفه ۱۹۶ سوره بقره ﴿وَلَا تَخْلِفُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾ محل هدی را مشخص کرده است؛ اما چنان‌که در کلمات اصحاب اشاره شده (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۱۱)، این تقیید فی الجملة است؛ زیرا این آیه در مقام بیان اصل وجوب قربانی نبوده، بلکه وظیفه محصور را مشخص کرده است که اگر محصور هدیش را به منا فرستاد، می‌تواند حلق کند و آیه ۲۲ سوره حج است که در مقام بیان اصل وجوب قربانی است و به قربانی، به نحو اطلاق و بدون تقیید آن به منا، عنوان شعائر را داده است.

ج) روایاتی که قربانی در مکه را برای برخی کافی دانسته است

صحیحه حریز

عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُتَمِّعٍ يَجِدُ الثَّمَنَ وَلَا يَجِدُ الْغَنَمَ قَالَ يُخَلِّفُ الثَّمَنَ عِنْدَ بَعْضِ أَهْلِ مَكَّةَ وَيَأْمُرُ مَنْ يَشْتَرِي لَهُ وَيُدْبِحُ عَنْهُ وَهُوَ يُجْزِي عَنْهُ فَإِنْ مَضَى دُو الْحِجَّةِ أَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى قَابِلٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۷۶).

حریز از امام صادق عليه السلام درباره کسی پرسید که در حج تمتع، پول قربانی دارد

ولی گوسفندی برای خریدن آن نمی‌یابد. امام در پاسخ فرمود: «پول قربانی را نزد یکی از اهل مکه می‌گذارد و به کسی می‌گوید تا برایش قربانی خریده، ذبح کند و این تکلیف وی را ادا می‌کند و اگر این کار تا پایان ماه ذی‌الحجه به تأخیر افتاد، تا ذی‌الحجه سال آینده صبر می‌کند».

این روایت وظیفه کسی را که پول خرید قربانی دارد ولی قربانی نیافته است، گذاشتن پول نزد یکی از اهل مکه می‌داند تا برایش قربانی بخرند و از طرف او ذبح کنند. استدلال بر مدعا از اینجاست که ظاهر روایت این است که شخص مکی که نایب حاجی برای قربانی شده، این قربانی را ظاهراً در همان مکه ذبح می‌کند و نه در منا. این سقوط قید در منا بودن یا به دلیل سختی انتقال به مناست به خصوص در قدیم که وسایل حمل و نقل امروزی فراهم نبوده است یا به سبب اینکه این قید مخصوص ایام تشریق است که سپری شده است. در هر صورت اگر سقوط قید در منا بودن را به دلیل عجز مکلف بدانیم، مدعای اصلی ما ثابت می‌شود و اگر سقوط آن را به خاطر سختی الزام نایب به این کار بدانیم، باز هم سقوط آن به خاطر عجز، به طریق اولی ثابت می‌شود (حائری، ۱۴۲۳، ص ۱۶۰).

اشکال: روایت از این جهت در مقام بیان نیست؛ بلکه در مقام بیان نایب گرفتن در قربانی بدون لحاظ شرایط آن از جمله در منا بودنش است.

معتبره نضر بن قراوش

عَنِ النَّضْرِ بْنِ قَرَوَاشٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَوَجَبَ عَلَيْهِ النَّسْكَ فَطَلَبَهُ فَلَمْ يَجِدْهُ وَهُوَ مُوسِرٌ حَسَنُ الْحَالِ وَهُوَ يَضْعُفُ عَنِ الصِّيَامِ فَمَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَصْنَعَ قَالَ يَدْفَعُ ثَمَنَ النَّسْكِ إِلَى مَنْ يَذْبَحُهُ بِمَكَّةَ إِنْ كَانَ يُرِيدُ الْمَضِيَّ إِلَى أَهْلِهِ وَيَذْبَحُ عَنْهُ فِي ذِي الْحِجَّةِ فَقُلْتُ فَإِنَّهُ دَفَعَهُ إِلَيَّ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُ فَلَمْ يُصَبِّ فِي ذِي الْحِجَّةِ نُسْكَاً وَأَصَابَهُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ لَا يَذْبَحُ عَنْهُ إِلَّا فِي ذِي الْحِجَّةِ وَلَوْ آخَرَهُ إِلَى قَابِلٍ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۷۶).

از امام صادق علیه السلام درباره کسی که در حج تمتع، قربانی تکلیفش است اما قربانی نمی‌یابد و قدرت مالی دارد اما توانایی روزه گرفتن ندارد، پرسیدم. امام فرمود: «اگر می‌خواهد به وطنش برگردد، پول قربانی را به کسی بدهد که در مکه برایش قربانی کند، و باید که در ماه ذی‌الحجه از طرف او قربانی کند». گفتم: «اگر در ماه ذی‌الحجه قربانی پیدا نشود، اما بعد از ذی‌الحجه یافت چه کند؟» فرمود: باید در ذی‌الحجه آن سال یا سال آینده قربانی کند.»

دلالت روایت:

در این روایت به وضوح تکلیف کسی که در عین داشتن پول نتوانسته قربانی پیدا کند، استنباه یکی از اهل مکه برای ذبح، معین شده است و این روایت به روشنی مطلوب را مشخص می‌کند؛ زیرا روشن است که جار و مجرور «بمکه» متعلق به عامل نزدیک، یعنی «یذبح» است، نه عامل بعید (یدفع) یا اسم موصول «من» (حائری، ۱۴۲۳، ص ۱۶۰).

اشکال: مورد روایت ذبح بعد از ایام تشریق به نحو استنباه در مکه است و این بر کفایت ذبح و قربانی در ایام تشریق یا خارج از آن برای خود متمتع دلالت ندارد. اما می‌توان گفت که روایت به روشنی عدم اطلاق تقید به منا را می‌رساند و با توجه به ادله مطلق قربانی، همین برای بحث ما کافی است.

صحيحه معاوية بن عمار

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمِنَى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ قَالَ لَا بَأْسَ قَدْ أَجَزَأَ عَنْهُ (همان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵۶).

از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که فراموش کرد تا در منا قربانی اش را انجام دهد تا اینکه به مکه به زیارت کعبه رفت و در مکه قربانی‌ای خرید و ذبح کرد. امام فرمود: «اشکالی ندارد و از او کفایت می‌کند».

تقریر روایت:

این روایت در مورد کسی است که در منا فراموش کرده قربانی کند تا اینکه به مکه برگشته و طواف حج را به جا آورده است و در مکه به یاد آورده که قربانی نکرده و در آنجا قربانی کرده است. امام قربانی کردنش را در مکه از قربانی کردن در منا مجزی می‌داند. این روایت ضمن تأیید مذبح عام بودن مکه، شرط مطلق بودن منا برای ذبح را ساقط می‌کند و واضح است که عرف می‌تواند حکم ناسی را برای عذر منع از ذبح در منا نیز تسری دهد (حائری، ۱۴۲۳، ص ۱۶۱).

اشکال: روایت دلالتی بر مدعا ندارد؛ زیرا در روایت، ذبح در مکه بیان نشده است و تنها خریدن در مکه و ذبح بعد از اعمال مکه، با عطف با «ثم» آمده است و بنابراین با انجام دادن قربانی در منا، منافاتی ندارد.

د) تمسک به قاعده میسور

بر اساس این قاعده، اگر طلب شرعی به موضوعی عام یا مرکب از اجزا و شرایطی تعلق گیرد و مکلف نتواند آن را به طور کامل با تمام افراد یا اجزایش اتیان کند، مشهور اصحاب به بقای تکلیف برای وی در مقدار مصادیق یا اجزای باقیمانده قائل شده‌اند (مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۹). وقتی به دلیل ضرورت، در منا بودن ذبح ممکن نشد، انجام دادن ذبح در بیرون منا، هرچه میسور باشد، مطلوب است؛ چراکه ما یقین داریم که اصل ذبح، علی‌رغم در منا نبودن، مطلوبیت دارد (موسوی، ۱۴۲۳، ص ۱۹۵).

اشکال: اولاً شمول قاعده میسور در مورد مشروط که مسئله ما نیز از مصادیق آن است، محل تأمل است؛ ثانیاً تمسک به قاعده میسور بدون اثبات تعدد مطلوب میسر نیست و پس از اثبات آن نیز تحصیل حاصل است.

احتمال لزوم رعایت اقریبیت به منا

نمی‌توان گفت قربانی در نزدیکی منا خصوصیتی ندارد؛ زیرا منا مانند مسجدی نیست که مکلف نذر کرده که در آن نماز بخواند و چون نتوانست، حکم به

نزدیک‌ترین مسجد منتقل نشود. بلکه منا برای ذبح خصوصیت دارد و در فرض عدم تمکن قربانی در آن، احتمال اقریبیت به آن مطرح است و مسئله از مصادیق بین تعیین و تخییر است که اصالة الاحتیاط در آن حاکم به تعیین است. بنابراین اقریبیت به منا باید لحاظ شود (فاضل، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۱). البته این احتمال در وضعیت فعلی محلی ندارد؛ چراکه عملاً امکان قربانی در مکانی جز قربانگاه‌های معیصم وجود ندارد و معیصم اقریب به مناست؛ چون نزدیک‌ترین مکان ممکن منظور است.

۳. تخییر میان قربانی در منا و قربانی در محل‌های دیگر

بر اساس فتوای آیت‌الله مکارم، در صورت عدم امکان قربانی در منا حج‌گزار بین قربانی در منا یا در وطن یا در محل دیگر، مخیر است؛ اگرچه قربانگاه‌های جدید بهتراست (مکارم، ۱۴۲۶، ص ۴۱۵). این مرجع تقلید در استدلال به این قول در درس خارج خود فرموده‌اند:

قربانی در حال حاضر در خارج از مناست؛ هرچند باید در منا انجام شود. همچنین مشخص نیست گوشت‌هایش در مسیر درست مصرف شود. همچنین گفتیم که قربانی باید خالی از عیب باشد. اینها شروطی است که شاید رعایت نشود. اگر مطمئن شویم که قربانی نقص ندارد، ترجیح این است که قربانی در همان ایام حج ذبح شود؛ هرچند در خارج از منا باشد و گوشتش نیز کاملاً به مصرف صحیح نرسد. ولی اگر از ناحیه نقص، اطمینانی نیست، ترجیح می‌دهیم که قربانی را در بلاد خودشان انجام دهند...^۱

اشکالات این قول

۱. با وجود ادله متعددی که در مباحث قبلی ذکر شد، دلایل فوق نمی‌تواند بر کفایت قربانی در غیر حرم دلالت کند. بنا بر این قربانی کردن در وطن یا خارج از حرم وجهی ندارد؛

1. <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh930307/92>

۲. بر فرض که قربانی امکان نداشته باشد، در شرع تبدیل تکلیف به روزه داریم، نه قربانی در وطن و خود این، دلیلی است بر عدم کفایت قربانی در وطن؛ والا می‌فرمود در صورت نبود قربانی، در وطن قربانی کند و اگر در وطن نبود، آن‌گاه روزه گرفته شود. البته در کلمات اصحاب آمده که روزه تکلیف کسی است که قربانی پیدا نکند و قیمتش را هم نداشته باشد؛ نه اینکه قربانی دارد، ولی نمی‌تواند که آن را در منا ذبح کند (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۱۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، فقه شیعه به تناسب تحول وضعیت قربانی، پویایی خود را نشان داده و فتاوی‌ای بروزی را به تناسب تغییر اوضاع قربانی در حج، ارائه داده است. علی‌رغم اینکه مشهور شیعه قربانی در منا را واجب دانسته‌اند، اما قول دیگری نیز در مسئله وجود دارد که جواز قربانی در حرم و نه در منا را ثابت می‌کند. ولی وقتی که با زیاد شدن تعداد حجاج، قربانی‌ها اتلاف می‌شد، برخی از فقهای شیعه از قربانی در منا منع کرده و به سقوط قربانی یا انجام دادن آن در وطن فتوا دادند. در مرحله بعد، با فراهم شدن شرایطی که امکان بهره‌مندی از گوشت قربانی فراهم شد، ابتدا قربانگاه در وادی محسر ساخته شد که با توجه به موثقه سماعة بن مهران، این وادی به عنوان جایگزین منا برای قربانی پذیرفته شده و در مرحله بعد و با انتقال قربانگاه به معیصم و عدم امکان قربانی در منا، بنا به فتاوای رایج، قربانی در آن مجزی دانسته شده است. با وجود دلایلی که قربانی را در حج و حرم ثابت می‌کند، فتوا به تخییر در صورت عدم امکان قربانی در منا، تخطئه شده است.

منابع

الف) کتاب‌ها

* قرآن کریم

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲. ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ق)، **المهذب**، تحقیق جمعی از محققین و مصححین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، **الوسيلة إلى نيل الفضيلة**، تحقیق شیخ محمد حسون، ایران، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، **دعائم الإسلام**، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم.
۵. ابن طاوس، علی بن موسی (۴۰۳ق)، **فلاح السائل و نجاح المسائل**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. افتخاری گلپایگانی، علی (۱۴۲۸ق)، **آراء المراجع فی الحج (علی ضوء فتاوی الإمام الخمينی علیه السلام)**، تهران، نشر مشعر، چاپ دوم.
۷. _____ (۱۳۹۱ش)، **قبل از حج بخوانید به ضمیمه خاطرات حرمین شریفین، تهران، مشعر.**
۸. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، تحقیق شیخ محمدتقی ایروانی و سیدعبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۹. بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین (۱۴۱۶ق)، **إصباح الشيعة بمصباح الشريعة**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۱۰. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق)، **صراط النجاة**، قم، دار الصديقة الشهيدة، چاپ اول.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۶ش)، **آثار اسلامی مکه و مدینه**، تهران، مشعر، چاپ هشتم.
۱۲. _____ (۱۴۲۷ق)، **مناسک الحج**، قم، دار البشير، چاپ دوم.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشيعة**، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
۱۴. حسینی، محمد (۲۰۰۷م)، **الدليل الفقهي تطبيقات فقهية لمصطلحات علم الأصول**، دمشق، مرکز ابن‌إدریس الحلی للدارسات الفقهية، چاپ اول.
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳ش)، **مناسک حج**

- مطابق با فتاوی امام خمینی با حواشی
مراجع تقلید و استفتائات جدید، بی جا،
بی نا.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، المعتمد
فی شرح المناسک، قم، منشورات مدرسه
دارالعلم، چاپ اول.
۱۷. _____ (بی تا)، معجم رجال
الحديث، بی جا، مؤسسه احیاء آثار امام
خوئی.
۱۸. درگاهى، مهدى و عندلیبی، رضا
(۱۳۹۳ش)، حکم حکومتی در حج:
پژوهشی فقهی پیرامون اعتبار حکم حاکم
مخالف در حج، تهران، نشر مشعر، چاپ
اول.
۱۹. روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق)، فقه
الصادق علیه السلام، قم، دار الکتب، چاپ اول.
۲۰. روحانی، سید محمد (۱۴۱۹ق)، المرتقى
إلى الفقه الأرقى، تهران، مؤسسه الجلیل
للتحقیقات الثقافیة (دار الجلی)، چاپ اول.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق)، الحج
فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم، مؤسسه
امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۲۲. _____ (۱۴۲۸ق)، مناسک حج و
احکام عمره، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام،
چاپ اول.
۲۳. سند، محمد (۱۴۲۳ق)، سند العروة
الوثقی، لبنان، مؤسسه أم القرى للتحقیق و
- النشر، چاپ اول.
۲۴. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۱ق)،
مناسک الحج، قم، مؤسسه الولاء للدراسات،
چاپ اول.
۲۵. صادقی، محمد (۱۳۹۷ق)، اسرار مناسک،
ادله حج، مکه المکرمه، چاپ اول.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق)،
استفتائات حج (هزار مسئله)، قم، انتشارات
حضرت معصومه علیها السلام، چاپ اول.
۲۷. _____ (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، قم،
مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، چاپ دوم.
۲۸. طباطبائی کربلائی، علی بن محمد علی
(۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق
الأحكام، قم، محمد بهره مند، محسن
قدیری، کریم انصاری، علی مروراید،
مؤسسه آل البيت.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)،
تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب
الإسلامیة، چاپ چهارم.
۳۰. _____ (بی تا)، الفهرست، النجف،
المکتبة المرتضویة.
۳۱. _____ (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی
فقه الإمامیة، تهران، تحقیق سید محمد تقی
کشفی، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار
الجعفریة، چاپ سوم.
۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)،
خلاصة الاقوال فی معرفة أحوال الرجال،

- قم، دار الذخائر.
۳۳. _____ (۱۴۱۲ق)، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.
۳۴. _____ (۱۴۲۰ق)، **تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۳۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق)، **کتاب الحج (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة)**، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۳۶. فیاض، محمداسحاق (بی تا)، **تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج**، قم، انتشارات محلاتی، چاپ اول.
۳۷. قمی، علی بن محمد (۱۴۲۱ق)، **جامع الخلاف و الوفاق بین الإمامية و بین أئمة الحجاز و العراق**، قم، تحقیق شیخ حسین حسنی بیرجندی، زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۳۹. گروهی از پژوهشگران (۱۳۹۶ق)، **مناسک حج محشی ویرایش جدید**، بی جا، پژوهشکده حج و زیارت، نشر مشعر، چاپ دوازدهم.
۴۰. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)،
- شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۴۱. محقق داماد، سیدمحمد (۱۴۰۱ق)، **کتاب الحج**، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
۴۲. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۱ق)، **براهین الحج للفقهاء و الحجج**، ایران، مدرسه علمیه آیت الله مدنی کاشانی، چاپ سوم.
۴۳. مرکز تحقیقات حج (بی تا)، **استفتائات ویژه حج - از مراجع تقلید همراه با ۱۲۲ استفتاء از مقام معظم رهبری**، تهران، مشعر، چاپ اول.
۴۴. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴ش)، **اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها**، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ ششم.
۴۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، تحقیق آقامجتبی عراقی، شیخ علی پناه اشتهاردی، آقاحسین یزدی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸ق)، **حکم الأضحیة فی عصرنا**، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ سوم.
۴۷. _____ (۱۴۲۶ق)، **مناسک جامع حج**، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی ابن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.

۴۸. موسوی شاهرودی، سیدمرتضی (۱۴۲۸ق)، جامع الفتاوی، مناسک حج، قم، نشر مشعر، چاپ سوم.

۴۹. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، بیروت، مؤسسه آل البيت.

۵۰. نجاتی، محمدسعید (۱۳۹۳ق)، سرزمین منا و مسائل نوپدید آن، تهران، نشر مشعر.

۵۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

۵۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

ب) مقالات:

۵۳. ارسطا، محمدجواد (۱۳۷۷ش)، «قربانی در منا و مشکل اسراف»، فصلنامه میقات حج، شماره ۲۵، پاییز، ص ۴۳-۷۲.

۵۴. حائری، سیدکاظم (۱۴۲۳ق)، «محل الذبح فی الحج»، مجله فقه اهل البيت (علیهم السلام)، عدد ۲۸، ص ۱۵۳-۱۸۶.

۵۵. مقدادی، محمدعلی (۱۳۷۴ش)، «از هندوستان تا حریم یار، سیری در سفرنامه

حج مرحوم صاحب عقبات الأنوار علامه میرحامد حسین هندی»، فصلنامه میقات حج، عدد ۱۴، زمستان، ص ۱۵۴-۱۷۲.

۵۶. موسوی، سیدعلی عباس (۱۴۲۳ق)، «حکم الاضحیه فی الحج»، مجله فقه اهل البيت (علیهم السلام)، عدد ۲۸، ص ۱۸۷-۲۰۲.

۵۷. نجاتی، محمدسعید (۱۳۹۸)، «قربانگاه معیصم»، مجله میقات حج، شماره ۱۰۶، بهار ۱۳۹۸.

۵۸. نجمی، محمدصادق (۱۳۷۳ش)، «تاریخ و رجال، تاریخ حرم ائمه بقیع، قبر فاطمه زهرا (علیها السلام) یا فاطمه بنت اسد»، میقات حج، شماره ۷، بهار ۱۳۷۳.

ج) سایت‌ها:

59. <https://www.adahi.org>

60. <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh930307/92>

61. <http://www.al-jazirah.com/20050114/2005/ln66.htm>

62. <https://www.alyaum.com/articles/55579>